

Examining the permission of surveillance in intelligence measures from the perspective of Imami jurisprudence

Mohammad Ali Raghebi ¹ | Mohammad Nozari ² | Komeil Yousef Shoeibi ³

55

Vol. 15
Summer
2022

Research Paper

Received:
6 March 2022
Accepted:
2 May 2021
P.P.: 97-128

Abstract

Security is one of the issues that is very vital for every member of the society, and its importance is so much that it is mentioned as one of the reasons for the acceptance of governments by the people, and all governments count the establishment of security as one of their missions. Therefore, to establish all-round security, they put some intelligence measures on their agenda, in which surveillance has a special place, because it is the basis of most intelligence measures. From the point of view of Islam, this action has some limits, and according to Sharia evidence, what it seems at the beginning is the sanctity of spying in an absolute way, and the generality of these evidences apparently prohibits all types of spying; Therefore, in this research, an attempt has been made to understand the limits of this action by using the method of content analysis and focusing on the Qur'an, the lives of the innocents (peace be upon them) and intellectual arguments; Because the basics of information activities should be extracted from the text of religion and jurisprudence in order to be completely compatible with religion. According to the findings of this research, it is permissible and sometimes obligatory to spy on major issues related to the government such as deviant factions, opponents of the government, infiltrators, enemy boundaries and monitoring the government's pillars, etc. And sometimes it is obligatory and it is not permissible in matters such as people's personal affairs, the secrets of Muslims and the analysis of their faults.

Keywords: Security, Information Measures, Imami Jurisprudence, Spying, Theme Analysis



DOR: 20.1001.1.25381857.1401.15.55.4.1

1. Assistant Professor, University of Qom, Qom, Iran
2. Assistant Professor, University of Qom, Qom, Iran
3. Corresponding Author, Ph.D. Candidate of Islamic Jurisprudence and Law, Qom University, Qom, Iran

بررسی حکم جواز تجسس در اقدامات اطلاعاتی از منظر فقه امامیه

دکتر محمدعلی راغبی^۱ | دکتر محمد نوذری^۲ | کمیل یوسف شعبی^۳

۵۵

سال پانزدهم

تابستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۲/۱۲

صص: ۹۷-۱۲۸



چکیده

امنیت از جمله مسائلی است که برای تک‌تک آحاد جامعه بسیار حیاتی است و درجه اهمیت آن، تا به آنجاست که به‌عنوان یکی از علل پذیرش حکومت‌ها از سوی مردم نام برده می‌شود و تمامی حکومت‌ها، برقراری امنیت را از جمله مأموریت‌های خود برمی‌شمرند. از این روی، آن‌ها برای برقراری امنیت همه‌جانبه، انجام پاره‌ای از اقدامات اطلاعاتی را در دستور کار خود قرار می‌دهند که در این بین، تجسس از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، چراکه پایه و اساس اکثر اقدامات اطلاعاتی به‌شمار می‌رود. این اقدام از منظر اسلام دارای حدودی است و طبق ادله شرعیه، آن چیزی که در بدو امر به‌نظر می‌رسد، حرمت تجسس به نحو مطلق است و عموم این ادله، به‌ظاهر تمامی اقسام تجسس را نهی نموده است؛ لذا در این تحقیق تلاش گردیده تا با استفاده از روش تحلیل مضمون و تمرکز بر قرآن، سیره معصومین (علیهم‌السلام) و ادله عقلی، حدود این اقدام مورد تفقه قرار گیرد؛ چراکه مبانی فعالیت‌های اطلاعاتی می‌بایست از متن دین و احکام فقهی استخراج گردد تا کاملاً منطبق بر دین باشد. بنا به یافته‌های این پژوهش تجسس در امور کلان مرتبط با حکومت نظیر فرق انحرافی، معاندین حکومت، عوامل نفوذی، حدود دشمن و نظارت بر ارکان حکومت و ... جایز و بعضاً واجب بوده و در مسائلی نظیر امور شخصی مردم، اسرار مسلمین و واکاوی عیوب آنان جایز نیست.

واژگان کلیدی: امنیت؛ اقدامات اطلاعاتی؛ فقه امامیه؛ تجسس؛ تحلیل مضمون.

DOR: 20.1001.1.25381857.1401.15.55.4.1

۱. استادیار دانشگاه قم، قم، ایران

۲. استادیار دانشگاه قم، قم، ایران

۳. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی دانشگاه قم، قم، ایران

(۱) مقدمه

امنیت به‌عنوان یکی از مسائل مهم زندگی انسان و جامعه انسانی، پایه آرامش، آسایش و ترقی کشور است. حساسیت اسلام نسبت به تأمین امنیت در جامعه از برنامه‌های امنیتی پیامبر (ص) و توصیه‌های معصومین علیهم‌السلام قابل استنباط است. با این وجود، امنیت با وسعت معنایی روبه‌رو بوده و ابعاد مختلفی را در برمی‌گیرد. اما قدر مشترک همه این معانی و ابعاد، حفاظت کشور و مصونیت آن از هرگونه تهدید و آسیب داخلی و خارجی در جنبه‌ها و ابعاد گوناگون است. هر حکومتی، به‌منظور حفظ و حراست از موجودیت و تمامیت ارضی خود در داخل و خارج، ناگزیر از بهره‌گیری از ابزارهایی است که به حفظ نظم و انتظام در جامعه و امنیت آن بینجامد و از آن جمله انجام اقدام‌هایی چون حفاظت، حراست، نظارت، کنترل، تقویت، تسلیح، مهار و ... است؛ بنابراین، برای جلوگیری از آسیب‌رسانی به امنیت فردی یا جمعی یا اجتماعی و حفاظت از اختلال در نظم حقوقی و امنیت جامعه، از فرایندها و ابزارهای متعددی بهره‌جسته می‌شود که «تجسس در زمینه امور اطلاعاتی و امنیتی» یکی از آنها است. بی‌جهت نیست که امنیت و قدرت رابطه منطقی و دائمی با یکدیگر دارند. از این رو، در برنامه‌ریزی امنیتی دقیق و حساب‌شده برای حفظ امنیت کشور و دفاع از ارزش‌های ملی و دینی در مقابل تهدیدهای داخلی و خارجی مخالفان نظام حاکم بر جامعه مبتنی بر راهبرد امنیت ملی کشور، تجسس در امور اطلاعاتی و امنیتی، یکی از فرایندهای مهم محسوب می‌شود.

در نظام جمهوری اسلامی ایران که پایه حکومت‌داری خود را بر شرع مبین اسلام قرار داده، انجام هرگونه اقدام امنیتی اطلاعاتی نیز بر پایه همین شرع باید استوار باشد. با این حال کسانی که در دستگاه اطلاعات و امنیت کار می‌کنند با برخی از امور که در شرع اسلام حرام است، مواجه می‌شوند. این‌ها اموری هستند که اخبار و اقوال بر حرمت و ضررهای ناشی از آن در مقیاس فردی و اجتماعی دلالت می‌کند. تجسس یکی از اقدامات اطلاعاتی و شاید بتوان گفت مهم‌ترین و پرکاربردترین آن‌ها در فضای اطلاعات و امنیت است که گاه به‌عنوان اولین گام در فرایند اطلاعاتی مورد استفاده قرار گرفته و گاهی نیز به‌عنوان تکمیل‌کننده آن استفاده می‌شود.

تجسس در نگاه اولیه از دیدگاه اسلام خصلتی ناپسند است و یکی از معایب اخلاقی محسوب شده و قرآن مجید با خطاب «لَا تَجَسَّسُوا» (احزاب، ۱۲) اهل ایمان را از آن نهی می‌کند، زیرا این خصلت باعث برملا شدن نقاط ضعف دیگران و آشکار شدن زشتی‌های مردم می‌شود و کسی که با تجسس کردن، زشتی‌ها را برملا سازد، سزاوار عذاب دردناک الهی خواهد بود. این موضوع در عهدنامه مالک - که به‌عنوان پایه حکومت‌داری اسلامی از آن یاد می‌شود - نیز مورد نهی حضرت امیر (علیه‌السلام) قرار گرفته است:

«دورترین و مبعوض‌ترین رعیت‌ها در نزد تو، آن‌ها باشند که درباره عیب‌های مردم بیش از همه کنجکاوی و پیگیری می‌نمایند، زیرا در مردم عیب‌هایی وجود دارد که ولی‌امر مسلمین سزاوارترین مردم به پوشانیدن آن‌هاست، پس هیچ‌گاه چیزهایی را که از تو غایب است فاش مساز. همانا تو به آنچه ظاهر است مکلف هستی و آنچه از تو پنهان است، حکم آن با خداست و تا می‌توانی عیب‌ها و زشتی‌های مردم را بپوشان.»

(نهج‌البلاغه: نامه ۵۳)

اما با تفقه در منابع دینی و بررسی ادله نقلی و عقلی می‌توان به مواردی دست یافت که برای حفظ نظام اسلامی، بر جواز این امر صحنه گذاشته شده است و از سوی دیگر با تدقیق درست، می‌توان بر وجوب برخی موارد نیز تأکید کرد. به‌عنوان نمونه دستور حضرت علی (ع) به مالک‌اشتر برای راه‌اندازی شبکه عیون و گماردن عناصر اطلاعاتی توسط آن حضرت در کنار قضات، فرمانداران، استانداران، در بازار و جمع شهروندان و حتی در کنار معاویه بهترین دلیل بر مشروعیت کار اطلاعاتی است. این عناصر اطلاعاتی آن‌چنان با دقت عمل می‌کردند که می‌دانستند استاندار حضرت (ع) شب کجا میهمان بوده؟ چه کسانی پای سفره حاضر بودند؟ کیفیت و تنوع غذاها چگونه بوده و حتی طریق برخورد استاندار با غذاها گزارش شده بود که حضرت علی (ع) طی نامه‌ای او را مورد سرزنش قرار می‌دهد (نهج‌البلاغه: نامه ۴۵).

بنابراین در تحقیق پیش‌رو تلاش بر آن است تا با بررسی ادله نقلی و عقلی، جواز و عدم جواز تجسس در فرایند اقدامات اطلاعاتی که زمینه‌ساز امنیت می‌باشد، مورد تفقه قرار گیرد و هدف اصلی این تحقیق بررسی جواز تجسس در اقدامات اطلاعاتی از منظر فقه امامیه است و همچنین اهداف فرعی ذیل برای آن متصور است؛

- تبیین مفهوم، کارکرد و ابعاد تجسس در اسلام
- تبیین حدود و ثغور تجسس در فقه اطلاعاتی

لازم به ذکر است که این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوال است که؛ تجسس از منظر فقه امامیه^۱ در چه مواردی جایز بوده و در چه مواردی جایز نیست؟ و از آنجا که این تحقیق به دلیل اینکه ماهیت اکتشافی دارد (کشف موارد جواز و عدم جواز تجسس) نمی‌توان برای آن فرضیه‌ای متصور شد.

۲) چارچوب نظری

چارچوب نظری هر تحقیق در واقع بیان‌کننده پایه علمی مسئله مورد سؤال آن و تبیین‌گر مسیر علمی حل جواب به سؤالات تحقیق است؛ بنابراین، بنا به موضوع مورد سؤال در این تحقیق که به دنبال تبیین جواز تجسس در امور اطلاعاتی است، می‌توان مباحث زیر را به‌عنوان ابعاد نظری بیان نمود:

۱-۲) تجسس

تجسس^۲ در لغت و عرف به معنای تفتیش از امور پوشیده است.^۳

لغویان چنین می‌گویند:

أ. ابن منظور: تجسس فلاناً من فلان: درباره اش پرسیدم مانند تجسس: خبر پرسید و از خبر جست و جو کرد. در گردآوری اخبار کوشید و با حواس شناخت. ظاهر عبارت این است که فرقی بین تجسس «با جیم» و تحسس «با حاء» نیست (ابن منظور، ۱۳۸۹: ص ۲۸۳، ماده تجسس).

ب. فیومی: جسّه بیده جساً؛ یعنی آن را با دستش پیدا کرد «اجتسه». یعنی به جست و جو پرداخت تا وی را بشناسد. جسّ الأخبار و تجسسها؛ یعنی از اخبار تفحص و پژوهش کرد. جاسوس از همین واژه گرفته شده، چون در پی دست یافتن به اخبار و کشف امور پنهانی

1. Imamie Jurisprudence

2. Exploration

۳. به جست‌وجوی خبرها و کارها پرداختن؛ از اخبار و اعمال دیگران خبر پرسیدن و در شناخت اسرارشان کوشیدن.

است. ظاهر عبارت قاموس این است که تجسس فقط به تفحص درباره زشتی های پنهان گفته نمی شود (غزالی، ۱۴۱۴: ص ۱۲۵، ماده تجسس).

ج. ابن فارس درباره معنای «جس» می نویسد آشنایی به چیزی از راه مس و ارتباط نرم و بی سروصدا. جاسوس بر وزن فاعول از همین واژه است، چون از راه های مخفیانه و بی سروصدا در پی به دست آوردن اخبار است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ص ۴۱۴، ماده تجسس).

د. جوهری: «جسستُ الأخبار و تجسستها» یعنی از اخبار تفحص کردم و جاسوس از همین واژه گرفته شده است. از خلیل نقل شده:

جواس به معنای حواس پنج گانه است (جوهری، ۱۴۰۴: ص ۹۱۳).

ه. شرتونی: «تجسس الخبر» یعنی به دنبال خبر بود و از امور پوشیده پژوهش کرد... «جاسوس و جسیس» یعنی دارنده راز شرآلود؛ وی کسی است که دنبال پی بردن به اخبار است و خبرچینی می کند. نیز در این باره گفته شده: «تجسس» یعنی به سخنان مردمان گوش داد و به دنبال آن بود که خبرهای خوب آن ها را بفهمد اما اگر «تجسس» باشد، مربوط به خبرهای شر است (شرتونی، ۱۳۷۷: ص ۱۲۳ و ۱۹۱).

و. لسان العرب: «حاسوس» که در پی اخبار است، هم معنای «جاسوس» است یا این که «حاسوس» در پی خیر است اما جاسوس در پی شر. گفته شده: «تجسس» یعنی خبر را برای غیر خود بخواهد اما تجسس یعنی خبر را برای خود بخواهد. گفته شده: تجسس به دنبال امور زشت پوشیده و پنهان است اما «تجسس» با «حاء» به معنای گوش دادن است. گفته شده: معنای هر دو یکی است؛ یعنی در پی خبرهای محرمانه بودن.

ز. از اخفش نقل شده: معنای تجسس (با جیم) با تجسس (با حاء) دور از هم نیست، زیرا تجسس به معنای در پی اخبار پوشیده است، اما تجسس (با حاء) به دنبال و در پی اخبار بودن است. قول دیگر این است که تفاوت وجود دارد: با «حاء» یعنی در پی خبر بودن برای خود، اما با «جیم» یعنی فرستاده دیگری [برای خبرچینی] باشد. «ثعلب» چنین گفته است (ابن منظور، ۱۳۸۹: ص ۲۸۳ و ص ۱۷۰).

ح. تفسیر قرطبی سخن منقول از اخفش را می آورد و معنای نخست را آشناتر و عرفی تر می داند و می نویسد: تجسس لغتاً و عرفاً مختص زمانی نیست که خبرچینی به دستور دیگری

باشد، چنان که ظاهراً تجسس مختص عیوب و شرور نبوده و تجسس مختص غیر عیوب و شرور نیست. این مطلب برگرفته از عبارت مصباح‌المنیر و منقول از اخفش است، گرچه ظاهر عبارت اقرب‌الموارد فرق بین تجسس (با حاء) و تجسس (با جیم) است. افزون بر این که تجسس در اخباری است که ربطی به خود آدمی ندارد، بلکه درباره دیگری است. از مطالبی که گفته شد، نادرستی عبارت ابن کثیر در تفسیرش فهمیده می‌شود که می‌گوید: تجسس در پی کشف خبر بودن به خاطر شر است (قرطبی، ۱۳۶۴: ص ۳۳۳).

۲-۲) انواع تجسس

سه نوع تجسس با احکام جداگانه را می‌توان از هم بازشناخت:

الف: تجسس در امور شخصی

مراد از امور شخصی، اموری است که مربوط به شخص در حوزه خانوادگی او می‌شود نه اجتماعی، چه این خانواده یک فرد باشد، چه چند فرد. «شخص» در اینجا در مقابل «اجتماع» است. در جوامع بشری و زندگی‌های اجتماعی گرچه هر فردی عضوی از جامعه است ولی برای خود حوزه شخصی دارد که مربوط به مناسبات فردی یا خانوادگی او می‌شود و از اطلاع دیگران یعنی غیر خود و اهل خانواده‌اش از آن‌ها کراهت دارد. این نوع تجسس در امور شخصی بنا بر دلیل عقلی و صریح آیه (ولا تجسسوا) و بسیاری از احادیث، حرام است. بر همین اساس، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل «حقوق ملت» (اصل‌های ۲۳ و ۲۵)، بازرسی نامه‌ها، ضبط و افشای مکالمات تلفنی و تلکس، تفتیش عقاید و جز آن را - مگر در مواردی که قانون برای حفظ مصلحت عامه مجاز بداند - ممنوع کرده است. حتی برای حاکم اسلامی تجسس از عیوب و معاصی مخفی و پنهان جایز نیست. حاکم اسلامی نه تنها از تفتیش بدون دلیل نهی شده، بلکه بر پایه گمان و تردید هم نمی‌تواند به تفحص و تجسس بپردازد. بنا بر حدیثی از پیامبر اکرم، این امر موجب فاسد شدن مردم می‌شود.

امیر مؤمنان (علیه‌السلام) در عهدنامه مالک‌اشتر به وی توصیه فرمود که در عیوب مردم که بر وی پوشیده است، کنجکاوی نکند و تا حد ممکن خطابخش و جرم‌پوش باشد. از دیدگاه فقهی، حاکم تنها وظیفه دارد که در صورت ثابت شدن گناهان مرتبط با حق‌الله، نسبت به آن‌ها حد جاری کند و

اجرای حدود مربوط به حق الناس نیاز به درخواست صاحب حق دارد (نهج البلاغه: نامه ۵۳). همچنین تجسس در امور مسلمانان جهت امر به معروف و نهی از منکر حتی در موارد شک نسبت به انجام منکر، جایز نیست. مصادیق تجسسی که ممکن است در این گونه موارد توسط ضابطین امر به معروف رخ بدهد و فقها آن را نهی کرده‌اند جالب توجه است. تجسس برای کشف منکر به وسیله اعمالی چون؛

- استراق سمع و گوش ایستادن (مثلاً برای تشخیص غنا بودن آهنگی)
- استشمام (مثل استشمام دهان شخصی برای کشف شرب خمر)
- طلب بازرسی از لباس‌ها و آنچه در زیر لباس مخفی کرده است.
- سؤال از اسرار و عورات. نه تنها برای آمرین به معروف تجسس جایز نیست بلکه برای محتسب و مسئولین انتظامی نیز تجسس از محرمانی که ظاهر و آشکار نیست جایز نیست.

از نظر فقها تجسس در مسائل شخصی و خانوادگی حتی در مفاسد اخلاقی افراد، توسط هر شخص یا ارگانی جایز نیست و اشاعه فحشا حرام است. همچنین گوش دادن به مکالمات اشخاص توسط شنود یا به هر شکل دیگر و نیز کنترل نامه‌های شخصی و پیگیری عیوب و خطاها و لغزش‌های شخصی افراد حرام است و مرتکب آن باید نهی شود و در صورت اصرار بر آن باید توسط محکمه صالح تعزیر گردد. (منتظری، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۵۳۹-۵۴۵) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرمودند: «هر کس به سخن دیگران بدون رضایت آنان گوش دهد در روز قیامت در دو گوش او سرب ریخته می‌شود» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۹۳). اگر کسی بر اثر تجسس بر رازی از رازهای زندگی داخلی مردم آگاه شود نباید آن را افشا کند و اگر آن را افشا کند و موجب زیان مالی یا آبرویی به کسی شود، صرف نظر از گناهی که کرده باید آن زیان را جبران نماید.

از جمله موارد دیگر که از تجسس در آن نهی شده است، تجسس از اعتقاد یا نفاق شخصی است که اقرار به شهادتین کرده است: «و یتحقق الاسلام بقول اشهد ان لا اله الا الله محمد رسول الله ... ولا یتجسس علیه فی انه معتقد او منافق» (کاشف الغطاء، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۳۹۸). اگر کسی به

زبان اقرار سلام کند و شهادتین را بگوید، مسلمان است و تجسس در مورد اینکه آیا او از روی اخلاص شهادتین را گفته یا از روی نفاق جایز نیست.

ب: تجسس در امور اجتماعی

مقصود از امور اجتماعی، امور مربوط به اشخاص از جهت شأن اجتماعی آنها است که مناسبات فرد با دیگر اعضای جامعه را در برمی گیرد. مثلاً شخص از آن جهت که کارمند یا رئیس اداره، مغازه دار، معلم، راننده تاکسی و سایر مشاغل و عناوین اجتماعی است. امور اجتماعی، امور مربوط به نظم و امنیت جامعه، نحوه کار کسبه، اصناف، شرکت‌ها، سازمان‌ها، نهادها، کارکنان و دولتمردان و هر مجموعه‌ای که شأن اجتماعی داشته و با جامعه در ارتباط است.

در تعریف «تجسس» آمد که تجسس در مورد کشف امور مخفی و پنهانی به کار می‌رود، بنابراین به نظر می‌رسد تجسس در امور اجتماعی، اصلاً جزء اقسام تجسس نباشد و تخصصاً از موضوع تجسس خارج باشد چرا که کار کارکنان و نهادهای اجتماعی امری با ماهیت مخفی و پنهانی نیست و اساساً ماهیت اجتماعی دارد که مربوط به رابطه فرد با اجتماع بوده و امری ظاهری و آشکار است. گرچه ممکن است برخی از کارکنان که در کارشان خیانت کنند و بخواهند این عمل را مخفی کنند ولی این مخفی کردن امر آشکار و مشهود است نه اینکه ماهیتاً عمل شخصی و پنهانی باشد؛ بنابراین جستجو و تحقیق بازرسان برای کشف درستی و نادرستی سازمان‌ها و ادارات، اصلاً تجسس نیست و عنوان صحیح آن همان «بازرسی» است؛ بنابراین حکم اولی حرمت درباره آن اصلاً ثابت نیست.

البته همان‌طور که گذشت تجسس بودن یا نبودن کاری برحسب افراد مختلف است. بله تحقیق و بازرسی سازمان بازرسی کشوری و مأمورین آن در امور سازمان‌ها و نهادها تجسس نیست؛ ولی تحقیق و بازرسی فردی بیگانه در امور سازمان‌ها که هیچ مسئولیتی و ارتباطی با این کار ندارد، تجسس محسوب می‌شود. به تعبیر دیگر اگر شخص جستجوگر نسبت به دانستن آن امور حقی داشته باشد، تحقیق او درباره آن امور تجسس محسوب نمی‌شود؛ ولی اگر حقی نداشته باشد، تحقیق او تجسس در امور دیگران است که ممنوع و حرام است.

ج: در مورد فعالیت‌های دشمن

نوع سوم تجسس، تجسس در امور دشمن^۱ است. هیچ شکی در مورد جواز این نوع تجسس نیست و همچنین در جنگ که مورد خاصی است و اخلاق خاص خود را دارد و بسیاری از اعمال، مثل دروغ، فریب، قتل که در شرایط عادی در خصوص افراد دیگر که دشمن ما نیستند، غیراخلاقی و حرام است، در جنگ جایز می‌شوند.

گذشته از دلیل عقلی، دلایل شرعی متعددی نیز در جواز این نوع تجسس وجود دارد. علاوه بر ادله عام و خوب حفظ نظام، ادله خاصی نیز در این خصوص وجود دارد، از جمله آیه چهارم سوره منافقون که پیامبر را از منافقان برحذر داشته است. در شأن نزول این آیه گفته‌اند که زید بن ارقم از عبدالله بن اُبی، سرکرده منافقان مدینه شنید که وی قصد دارد پس از ورود به مدینه، پیامبر (ص) را از آنجا بیرون کند، از این رو، زید به پیامبر خبر داد و حضرت در حق وی دعا کرد (طبرسی، ۱۴۱۳: ذیل سوره منافقون، آیات ۶-۱۱). علاوه بر این، آیاتی مانند آیه ۶۰ سوره انفال که مؤمنان را به تجهیز نظامی در برابر دشمنان خدا فرمان داده است، می‌تواند شامل تجهیز قوای اطلاعاتی برای مقابله با حمله‌های دشمن باشد. همچنین ظاهر آیه «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» از اعتماد به خبر فاسق بدون تجسس منع می‌کند و اینکه در مقام عمل، باید از چیزی که خبر داده است، تفحص و تجسس صورت گیرد.

در آیه دیگری تبیین و تفحص از حال مشرکانی که لشکر اسلام با آنها وارد جنگ می‌شود واجب شده است تا مبادا کسی که مستحق قتل نیست، کشته شود «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَصَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ أَلَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء: ۹۴). در تفسیر این آیه گفته‌اند که در غزوه‌ای که پیامبر اسلام با اهل فدک داشت، همه آنها فرار کردند، جز مرادس بن نهیک که اسلام آورد. در توصیف این غزوه گفته‌اند که وقتی لشکر اسلام به فدک حمله کرد گوسفند مرادس به کوه فرار کرد. او به دنبال گوسفند از کوه بالا رفت و در حالی که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» می‌گفت از کوه پایین آمد، ولی اسامه بن زید او را کشت

۱. البته دشمن نیز به دو دسته دشمنان داخلی و خارجی قابل تقسیم می‌باشد.

و گوسفندش را گرفت. پیامبر^(ص) بعد از اطلاع از این ماجرا این آیه را تلاوت کرد و از اسامه^(ع) قسم گرفت که هرگز کسی را که شهادتین می‌گوید، نکشد. از ظاهر آیه چنین بر می‌آید که استدلال اسامه^(ع) در کشتن او این بوده که او از ترس جاننش اسلام دروغین آورده است. بنابراین، آیه از طرفی بر این دلالت دارد که تجسس در ایمان کسی که شهادتین می‌گوید و تفحص از اینکه آیا او واقعاً به گفته‌اش معتقد است یا نه، جایز نیست، بلکه باید اخذ به ظاهر کرد. از طرف دیگر، آیه بر وجوب تفحص و احتیاط در اقداماتی که ضرر زدن به دیگران است، مانند قتل دلالت دارد تا مبدا ضرری به بی‌گناهی برسد (علی بن ابراهیم قمی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۴۸).

فقها در بیان مسائل جنگ یکی از مستحبات و وظایف امیر لشکر اسلام را فرستادن طلایع و تجسس از اخبار دشمنان دانسته‌اند (جعفر بن الحسن حلّی، ۱۴۱۴: ج ۱ ص ۴۱۰).

در سیره جنگی پیامبر اکرم^(ص) نیز مصادیق متعددی از تجسس وجود دارد. حضرت علی^(ع) داستانی از پیامبر اکرم^(ص) نقل می‌کنند که پیامبر به ایشان و زبیر و مقداد امر کردند که به مکانی بروند. در آنجا زنی در کجاوه می‌بینید که نامه‌ای با خود دارد. آن نامه را از او بگیرید. حضرت می‌فرماید ما راه افتادیم و به آن نقطه رسیدیم و زنی را در کجاوه یافتیم. گفتیم نامه‌ای را که همراه داری بده. گفت: نامه‌ای ندارم. حضرت می‌فرماید: من گفتم یا نامه را می‌دهی یا تو را تفتیش کنیم؟ زن نامه را از لابه‌لای گیسوانش در آورد. نامه را خدمت پیامبر^(ص) آوردیم. نامه‌ای بود از حاطب بن ابی بلتعنه به گروهی از مشرکان که در آن اطلاعاتی درباره پیامبر به آنها داده بود (ری شهری، ۱۳۶۷: ج ۲ ص ۷۳۰).

از دیگر موارد امر پیامبر به تجسس، فرستادن عبدالله بن ابی حدرد برای تجسس در جریان قتل رفاعه بن قیس جشمی؛ فرستادن سعید بن زید به معرینین، عاصم بن ثابت را به مکه، (میانجی، ۱۴۱۹: ج ۱ ص ۹) فرستادن عبدالله بن جحش همراه با هشت تن از مهاجران برای کسب اطلاعات درباره دشمن، پیش از جنگ بدر؛ گسیل داشتن افرادی به بدر برای تجسس از قافله قریش ده شب پیش از حرکت لشکر اسلام؛ فرستادن علی^(ع) و زبیر بن عوم و شماری دیگر به اطراف چاه‌های بدر برای کسب اخبار و نیز گردآوری خبر برای پیامبر در این جنگ؛ ارسال بسپسه (یا بسپسه) به منطقه بدر برای تجسس از کاروان ابوسفیان؛ فرستادن انس و مؤنس، فرزندان فضاله، در جنگ احد برای تفتیش از لشکر قریش؛ باقی ماندن عباس بن عبدالمطلب در مکه به درخواست رسول اکرم^(ص)

برای آگاه ساختن ایشان از اخبار قریش و موارد متعدد دیگر (ری شهری، ۱۳۶۷: ج ۲ صص ۷۳۴-۷۳۱).

در سیره حضرت علی^(ع) نیز موارد زیادی از تجسس درباره دشمن گزارش شده است. بعد از جنگ صفین و جدا شدن خریّت بن راشد ناجی و یارانش از حضرت علی^(ع) و پراکنده شدن آنان در شهرها، حضرت به کارگزاران خود دستور داد که در هر ناحیه جاسوسانی برای آنان بگمارند و اخبار ایشان را به حضرت گزارش دهند. در پاره‌ای موارد امیرالمؤمنین (ع) به کارگزارانش امر کرده است که در مورد اشخاص منافق و مشکوک، شدت عمل داشته باشند. از جمله در عهدنامه حدیفه بن یمان، حاکم مداین و در عهدنامه قیس بن سعد انصاری کارگزار مصر. همچنین در برخی موارد، حضرت شخصاً اطلاعاتی درباره اشخاص مشکوک و منافق فراهم می‌آوردند و به پیامبر اکرم (ص) می‌رساندند (همان). معاویه بعد از شهادت امام علی^(ع)، دو نفر را به جاسوسی در کوفه و بصره گماشت. امام حسن^(ع) از ماجرا آگاه شد و بی‌درنگ فرمان داد هر دو را دستگیر و اعدام کنند (همان).

۲-۳) فعالیت اطلاعاتی

اطلاع در لغت به آگاهی، احاطه، اشراف بر چیزی با ظاهر شدن و کشف امری نزد انسان اطلاق می‌شود. اطلاع^۱ با خبر^۲ متفاوت است. در واقع، مراد از خبر، هر مطلب بدون ارزیابی و پالایش است که از طرق مختلف به دست می‌آید و مراد از اطلاع، خبر پردازش شده است که در واقع نوعی جمع‌بندی، ارزیابی، تحلیل، یکسان‌سازی و تفسیر خبر رسیده است و به دانستن و فهم ارزیابی شده منجر می‌شود و حتی قابلیت تفسیرهای بعدی و ارزیابی‌های پسین را نیز خواهد داشت (برزنونی، ۱۳۹۶؛ ص ۵۲).

در همین راستا، اطلاعات^۳ دارای مفهومی روشن، رسا و دقیق نیست و تعاریف مختلفی را نیز می‌تواند شامل شود. از یک سو می‌تواند مراد از آن، اخبار پرورش یافته باشد که طی برآیند ویژه‌ای، تجزیه، تحلیل، بررسی و پرورش یافته‌اند و در عرصه‌های مختلفی قابل حصول است. اگر

1. intelligence
2. Information
3. intelligence

شامل پیکره‌ی ویژه‌ای از دانش شود، می‌توان نام آن را معرفت نامید. از سوی دیگر شامل ساختارها و نهادهایی می‌شود که هدف اصلی آنان، جمع‌آوری و کسب خبر از منابع مختلف آشکار و پنهان، ارزیابی، تجزیه و تحلیل، ترکیب، تفسیر و پرورش آن و تولید اطلاعات سامان‌یافته، هدفمند و دقیق به منظور تصمیم‌سازی‌های خاص است و به‌عنوان سازمان‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی محسوب می‌گردد و در واقع، نوعی اعتبار سازمانی است و در همین راستا می‌توان از نوعی فعالیت خاص یاد کرد که در همین سازمان‌ها انجام می‌شود.

در یک تعریف، مراد از اطلاعات مواردی است که مربوط به یک یا چند جنبه از ملت‌های بیگانه یا مناطق عملیاتی و جغرافیایی بوده که بلافاصله یا در موقعیت به خصوصی، برای توسعه و اجرای طرح‌ها، خط‌مشی‌ها و عملیات لازم است. سلسله فعالیت‌هایی که به وسیله‌ی آن، آگاهی و بینش تصمیم‌گیرندگان افزایش یافته و آن‌ها را در کسب یا تثبیت مواضع قدرت کمک می‌کند (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۱۷).

اطلاعات، گاهی آشکار^۱ است که جنبه‌ی دفاعی و امنیتی اندکی دارد و به تعبیر برخی نویسندگان، اطلاعات و منابعی است که به لحاظ نظری در دسترس هر دانشمند و محقق قرار دارد. گاه پنهان با جنبه‌ی بالای دفاعی و امنیتی و گاه سری^۲ با اهمیت حیاتی یا به کلی سری^۳ با جنبه‌ی دفاعی و امنیتی بسیار بالا است.

اطلاعات خام یا پرورش نیافته معمولاً قابلیت تبدیل شدن به اطلاعات پرورش یافته دارند که دقیق، ارزیابی شده و جهت‌دار است و اگر استراتژیک^۴ باشند، برای توسعه و پیشرفت مقاصد و سیاست‌های امنیت ملی و طرح‌های مربوط به آنان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر، گاهی مراد از آن، اطلاعات رزمی^۵ یعنی دانستنی‌های پیشینی الزامی از جو، زمین و دشمن است که از آن به‌عنوان اطلاعات تاکتیکی^۶ یا اطلاعات موردنیاز برای طرح‌ریزی و هدایت عملیات و نیز اطلاعات عملیاتی^۷ برای طرح‌ریزی رشته عملیات نظامی، اصلی و بزرگ هم

1. Overt intelligence
2. Secret information
3. Top secret information
4. Strategic Processed intelligence
5. Combat intelligence
6. Tactical information
7. Operational intelligence

می‌توان نام برد که حتی می‌تواند اطلاعات نظامی^۱ و اطلاعات درزمینه‌ی فعالیت یا موقعیت نظامی دشمن را هم در بر گیرد.

گاه اطلاعات استراتژیک^۲ است که تجزیه و تحلیل شده، ترکیب یافته و تفسیر شده است و از آن برای تدوین خط‌مشی‌های ملی و طرح‌ریزی‌های استراتژیک با نگاهی آینده‌پژوهانه در سطح ملی بهره‌گیری می‌شود و به کارگیری منطقی و به‌موقع آن‌ها، موجب تقلیل آسیب‌پذیری‌ها می‌شود. این اطلاعات، به تعبیر برخی نویسندگان، باعث شکل‌گیری سازوکارها و خط‌مشی‌ها، و طرح‌های عملیات اطلاعاتی- نظامی در سطوح ملی و بین‌المللی می‌گردد و در معنای سازمانی- نهادی، مراد از آن سازمان‌ها و ارگان‌هایی است که وظیفه‌ی جمع‌آوری، تولید و حفاظت اطلاعات نظامی- امنیتی را بر عهده دارند.

این اطلاعات می‌تواند سیاسی^۳ و در مورد روابط خارجی سازمان‌های حکومتی یک کشور باشد، یا اطلاعات اجتماعی^۴ با رویکرد جنبه‌های روانی و آماری اجتماعات انسانی، و نیز اطلاعات نظامی کلی^۵ مربوط به قابلیت‌های نظامی سازمان‌ها و کشورها، اطلاعات دفاعی^۶ به‌منظور بهره‌گیری در طرح‌ریزی‌های جنگی، اطلاعات درون‌مرزی^۷ که اطلاعاتی پرورش یافته و تفسیر شده در مورد شرایط محلی و فعالیت‌های مربوط به امنیت داخلی یک کشور است، اطلاعات طبقه‌بندی شده^۸ یا اطلاعات دفاعی طبقه‌بندی شده^۹ که متناسب با حساسیت اطلاعاتی به ترتیب، محرمانه، خیلی محرمانه، سری و به کلی سری‌اند.

از سوی دیگر، انواع اطلاعات ارتباطاتی^{۱۰} با رویکرد جمع‌آوری و تفکیک علایم ارتباطی دشمن، اطلاعات رمزی^{۱۱} مربوط به فنون و عملیات رمزی و وسایل رمز، اطلاعات اقتصادی^{۱۲} با رویکرد استفاده‌ی حداکثری از منابع و امکانات ملی برای تأمین امنیت ملی، اطلاعات الکترونیکی^۱

1. Military intelligence
2. Strategic intelligence
3. Political intelligence
4. Sociological information
5. General military intelligence
6. Defence information
7. Internal intelligence
8. Classified information
9. Classified defence information
10. Communication information
11. Crypto intelligence
12. Economic intelligence

الکترونیکی^۱ با صبغه‌ی توجه به فعالیت‌های الکترونیکی و ضدالکترونیکی دشمن، اطلاعات امنیتی^۲، اطلاعات پایه‌ای^۳ و واقعیات بنیادی درباره‌ی ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، علمی، فناوری، جغرافیایی و بیوگرافیکی کشور، اطلاعات تجاری^۴ در حوزه‌ی واردات و صادرات، اطلاعات صنعتی^۵ و اطلاعات فنی^۶ و نیز اطلاعات دفاع غیرنظامی^۷ و ... مورد توجه قرار می‌گیرد.

در این عرصه، حتی می‌توان از اطلاعات نفوذ^۸ یا اطلاعاتی در مورد فعالیت‌ها، اوضاع، احوال و تحرک‌های اطلاعاتی، سیاسی و امنیتی یک کشور و نیز فعالیت‌های افراد یا عواملی که به‌طور بالقوه برای امنیت داخلی کشور خطرناک‌اند، اطلاعات فریب^۹ که از طریق جعل، تغییر یا تحریف عملکرد و اخبار سیاسی، نظامی و عملیاتی به‌منظور گمراه کردن دشمن در اختیار طرف مقابل قرار می‌گیرد، سخن گفت.

بر این اساس، اطلاعات جاسوسی^{۱۰} فرایند جمع‌آوری، پردازش، ارزیابی، ادغام و تفسیر اطلاعات خام توسط یک حکومت درباره‌ی قابلیت‌ها، نیات سایر دولت‌ها و تجزیه و تحلیل اطلاعات پردازش شده است (نوروزی، همان: ۱۱۹). این اطلاعات می‌توانند اطلاعات استراتژیکی نظامی شامل قدرت نیروهای نظامی و امنیتی و موقعیت و امور توسعه‌ای و روحیه و کیفیت رزم و طرح‌ها و پیمان‌های سری و ... باشد یا اطلاعات استراتژیکی غیرنظامی باشد که وضعیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رقیب یا دشمن را در برمی‌گیرد. نیز فعالیت‌هایی است که به تعبیر یکی از نویسندگان، خارج از مدار برنامه‌ی اطلاعات ملی در عرصه‌ی خارجی صورت می‌گیرد (ویلسون^{۱۱}: ۱۹۹۶: ۱۷۸) و نقشه‌ها، برنامه‌ها و عملیات نظامی را در سطح واحد نظامی حمایت می‌کند و برای طراحی عملیات تاکتیکی بدان نیازمندیم (برزنونی، ۱۳۹۶: ۵۳).

1. Electronic intelligence
2. Security intelligence
3. Basic intelligence
4. Commerical intelligence
5. Industrial information
6. Technical information
7. Civil defence intelligence
8. Infiltration intelligence
9. Deception information
10. intelligence
11. Wilson

۲-۴) مشروعیت اقدامات اطلاعاتی

اگر بخواهیم مشروعیت کاری را بدانیم لازم است به منابع چهارگانه فقه (کتاب، سنت، عقل و اجماع) مراجعه کنیم. اگر دلیلی از منابع به دست آمد مشروعیت آن عمل تأیید می‌شود. حال به منابع مراجعه می‌کنیم تا ببینیم آیا دلیلی بر انجام کار اطلاعاتی یافت می‌شود یا خیر؟

۲-۴-۱) کتاب

قرآن خطاب به اهل ایمان فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جميعاً» ای کسانی که ایمان آورده‌اید آمادگی خود را در برابر دشمن حفظ کنید و در دسته‌های متعدد یا به صورت دسته واحد به سوی دشمن حرکت کنید.

«حذر» بر وزن خضر به معنی بیداری و آماده‌باش و مراقبت در برابر خطر است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۴، ص ۲). بیداری و هوشیاری امکان ندارد مگر با شناخت دشمن، اهداف دشمن، شیوه دشمنی، و ضعف‌ها و قوت‌های او و مسائلی از این قبیل. و این مهم محقق نمی‌شود مگر با کار اطلاعاتی دقیق و جامع که لازم است توسط یک تشکیلات منسجم و آموزش دیده و طبق برنامه پیگیری شود.

۲-۴-۲) سنت

دستور حضرت علی^(ع) به مالک اشتر برای راه‌اندازی شبکه عیون و گماردن عناصر اطلاعاتی توسط آن حضرت در کنار قضات، فرمانداران، استانداران، در بازار و جمع شهروندان و حتی در کنار معاویه بهترین دلیل بر مشروعیت کار اطلاعاتی است. عناصر اطلاعاتی آن‌چنان با دقت عمل می‌کردند که می‌دانستند استاندار حضرت علی^(ع) شب کجا میهمان بوده؟ چه کسانی پای سفره حاضر بودند؟ کیفیت و تنوع غذاها چگونه بوده و حتی طریق برخورد استاندار با غذاها گزارش شده بود که حضرت علی^(ع) طی نامه‌ای او را مورد سرزنش قرار می‌دهد (نهج البلاغه: نامه ۴۵)

«ابن هرمة» مأمور حضرت علی^(ع) در بازار اهواز از موقعیت خود سوءاستفاده نمود و اقدام به اختلاس و رشوه‌گیری کرد و خبر آن توسط عناصر اطلاعاتی به حضرت رسید که ایشان طی

1. Legitimacy

حکمی قاطع به این رفاعه والی اهواز دستور دادند ابن هرمه را دستگیر و بازداشت نماید و به مردم اعلام نماید هرکس علیه او ادعایی دارد و شاهدهی ارائه دهد از اموال ابن هرمه حق او پرداخت می‌شود (ابن حیون، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۵۳۲).

حضرت علی^(ع) نه تنها اوضاع داخلی را به شدت توسط عناصر اطلاعاتی تحت نظر داشت بلکه از دشمن هم غافل نبود و در کنار معاویه نیز نیروی اطلاعاتی داشت. از این رو وقتی گروهی از شام به فرمان معاویه قصد حرکت به سمت مکه و فتنه‌گری در ایام حج داشتند خبر به طور کامل به امام علی^(ع) رسید و ایشان والی مکه را آماده‌باش دادند (نهج البلاغه: نامه ۳۳). که همه این‌ها دلیل بر مشروعیت کار اطلاعاتی است.

۲-۴-۳) عقل

عقل دفع ضرر قابل توجه و مهم را واجب می‌داند و چون قرآن هشدار می‌دهد که شما دارای دشمنان آشکار و پنهانی هستید که دائم در صدد محو و نابودی دین شما هستند اگر بتوانند (بقره، آیه ۲۱۷)، عقل حکم می‌کند برای دفع ضرر مقدمات لازم را فراهم نماییم. البته آیات و روایات نیز چنین دلالتی دارند.

به دو نمونه مقدماتی که برای دفع ضرر لازم است، اشاره می‌کنیم:

الف: وجود یک نیروی مسلح مقتدر

قرآن به رهبران جامعه اسلامی دستور می‌دهد برای ایجاد رعب در قلب دشمنان آشکار و پنهان نیرو و امکانات فراهم کنید.

«و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم» (سوره انفال آیه ۶۰) هر نیرویی که در قدرت دارید برای مقابله با آن‌ها (دشمنان) آماده سازید و همچنین اسب‌های ورزیده برای میدان نبرد تا به وسیله آن دشمن خدا و خویش را بترسانید و همچنین برای دشمنان دیگری که شما آن‌ها را نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد.

از دیدگاه قرآن ارتش اسلام باید از چنان ابهت و اقتداری برخوردار باشد که تصور آن جرئت و جسارت را از دشمنان بگیرد و به خود اجازه تعرض به حریم اسلام و مسلمین را ندهند.

البته آیه فوق می تواند دلالت بر کسب قدرت امنیتی و اطلاعاتی نیز داشته باشد. زیرا آن قدرت نیز یکی از مصادیق کسب قدرت در برابر دشمن محسوب می شود.

ب: وجود یک سازمان اطلاعاتی و امنیتی

شناخت دشمن و جریانات غیرهمسو برای حکومت یک ضرورت انکارناپذیر است. همه نظام های سیاسی از جمله نظام سیاسی اسلام از داخل و خارج با تهدیدات و خطرات فراوانی مواجه است که برای قوام و بقا خود نیاز به شناخت و دفع آن تهدیدات دارند. این مهم انجام نمی گیرد مگر با وجود سازمان اطلاعاتی و امنیتی قوی که اشراف اطلاعاتی کامل داشته باشد و فرصت هر گونه آسیب رسانی را از دشمن بگیرد.

اشراف اطلاعاتی پیامبر^(ص) از حرکت دشمن مثل آنچه در احد و خندق شاهد آن هستیم گواه صدقی بر ضرورت وجود سازمان اطلاعاتی است. آن حضرت در هر دو جنگ احد و خندق و سایر جنگ ها قبل از هر اقدام عملی دشمن توسط عناصر اطلاعاتی خود از آن ها اطلاع کامل پیدا می کرد.

قرآن کریم دشمنان مسلمانان را به دو دسته آشکار و پنهان تقسیم می نماید. شناخت دشمنان پنهان و مسائل پشت پرده دشمن آشکار فقط با یک کار اطلاعاتی قوی و به روز که شارع تجویز کرده باشد امکان پذیر است. مثل شنود، نفوذ و سایر موارد که برای تأمین امنیت لازم است.

۲-۴-۴ اجماع

اجماع به خودی خود حجت نیست و حجیت آن سه شرط دارد و از جمله شروط این است که دلیلی جز اجماع نداشته باشیم و از آنجا که دلایل نقلی فراوانی بر ضرورت کار اطلاعاتی داریم نوبت به اجماع نمی رسد.

علاوه بر آنچه درباره مشروعیت از کتاب و سنت و عقل بیان شد حضرت امام خمینی (ره) دفاع از نظام اسلامی را اهم واجبات می داند، اگر دفاع از اسلام و نظام اسلامی واجب است، تهیه مقدمات آن هم از باب مقدمه واجب، واجب می گردد.

حضرت امام تصریح می کنند که جاسوسی برای حفظ اسلام واجب است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۵، ص ۱۰۰).

این جاسوسی اگرچه تکلیفی عمومی است و امام از همه مردم می‌خواهد اگر جایی بوی توطئه استشمام شد گرچه در حد احتمال هم باشد به مراکز مربوطه گزارش شود (همان ص ۵۰). اما یک تشکیلات منسجم اطلاعاتی لازم است که اطلاعات و اخبار را جمع‌آوری نموده و بعد از ارزیابی خبر آن را تحلیل نماید و مقامات مسئول را در جریان امور قرار دهد.

با این بی‌آنکه عرض شد از دیدگاه معمار انقلاب اسلامی و پایه‌گذار نظام جمهوری اسلامی وجود سازمان اطلاعاتی و پیگیری اموری که مصلحت نظام را تأمین کند واجب است و آن حضرت از عناصر اطلاعاتی به سربازان گمنام امام زمان (عج) تعبیر نمودند. و بعد از دستگیری سران حزب توده و کشف خانه‌های تیمی و خنثی نمودن توطئه‌های آنان فرمودند: «اگر فاتحان دنیا افتخار می‌کنند به سربازان گمنام، اسلام بزرگ و ملت شریف و فاتحان عزیز ما افتخار می‌کنند به هزاران سرباز گمنام بزرگواری که در پی نام و نشان نیستند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۷، ص ۴۲۱).

۳) روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که این پژوهش به دنبال واکاوی جواز و عدم جواز تجسس در اقدامات اطلاعاتی از منظر فقه امامیه است. بنابراین گام‌های زیر برای آن برداشته شد:

گام ۱: بررسی ادبیات علمی و تبیین حوزه‌های مورد مطالعه

از آن جهت که فقه اطلاعاتی از سنخ فقه مضاف می‌باشد و این سنخ از فقه به دلیل برخورداری از ویژگی‌های فقه حکومتی کمتر در عصر فقهای سابق مورد بررسی قرار گرفته و بیشتر بعد از انقلاب اسلامی مورد توجه برخی از فقها قرار گرفته، بررسی در این بعد فقه نیازمند بازنگری در بسیاری از ادله فقهی بوده که تا حدودی در این مقاله مورد نظر قرار گرفته است. بنابراین تبیین حکم تجسس در امور اطلاعاتی با تمام جزئیات آن کار بسیار دشواری خواهد بود که در این مختصر نمی‌گنجد. از این روی با بهره‌گیری از متون و ادبیات علمی، می‌توان به مجموعه‌ای مفاهیم علمی دست یافت که می‌توانند به‌عنوان خطوط راهنما در تبیین حکم تجسس

در امور اطلاعاتی مورد استفاده قرار گیرد. در همین راستا، در گام اول مطالعات مختلف در موضوعات اطلاعات، تجسس، مطالعه و نکات اصلی آن احصا گردید.

گام ۲: بررسی ادله نقلیه (واکاوی آیات قرآن و سیره معصومین علیهم السلام)

در گام دوم با رجوع به آیات قرآن و سیره معصومین علیهم السلام جواز و عدم جواز تجسس مورد بررسی قرار گرفت. در این گام تمرکز اصلی بیشتر بر آیاتی بود که بیشتر در حوزه حکومت، سیاست، اداره کشور و ... که به نوعی از ارکان مباحث اطلاعاتی بود، استوار بود.

روش تحقیق^۱ مورد استفاده در این فرایند مبتنی بر استراتژی تحلیل مضمون^۲ می‌باشد. این استراتژی روش تحقیقی، یکی از قوی‌ترین روش‌هایی است که می‌تواند قطعات گسسته و پراکنده‌ی واقعیت اطلاعاتی را به روشی نظام‌مند در کنار یکدیگر سازمان داده و تصویری جامع از آن ارائه دهد. در واقع تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی بوده که داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. بنابراین تحلیل مضمون، روشی است برای:

الف: دیدن متن

ب: برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط

ج: تحلیل اطلاعات کیفی

د: مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ

ه: تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی.

گام ۳: بررسی ادله عقلیه

در این گام با توجه به ادله عقلیه موجود به این مسئله پرداخته شد که فعالیت‌های اطلاعاتی و تجسس که اکثریت فعالیت‌های اطلاعاتی دربردارنده آن است، با قواعد عقلی قابل اثبات بلکه قابل الزام است و یک اجتماع انسانی ناگزیر از پرداختن به آن است و این حتی نیازمند استدلال‌های نقلی نیست؛ بلکه استدلال‌های عقلی به تنهایی ما را به این مهم راهنمایی می‌کند کما اینکه تمامی

1. research method
2. Thematic analysis

کشورهای دنیا از یک سیستم اطلاعاتی استفاده می‌کند و این از آن روست که ناگزیر از استفاده از این سیستم‌ها هستند و به نوعی این سیستم‌ها از لوازم تشکیل جوامع و حکومت‌های منضبط است.

گام ۴: جمع‌بندی نهایی و ارائه گزارش

در گام نهایی نتایج حاصله جمع‌بندی و پیشنهادها و یافته‌های مورد نظر تبیین گردید. لازم به ذکر است برای بررسی روایت نتایج پژوهش از مدل دو ارزیاب بهره‌گیری شد. توضیح آنکه برای بررسی روایی نتایج در تحقیقات کیفی روش‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد که یکی از آن‌ها روش دو ارزیاب است که براساس این روش فرایند کدگذاری مفاهیم مورد ارزیابی حداقل دو نفر که در این حوزه تخصص دارند، قرار می‌گیرد که در این پژوهش به ۴ نفر از خبرگان که تخصص حوزه فقه و اقدامات اطلاعاتی داشتند، داده شد و نظرات آن‌ها اعمال گردید.

۴) ارائه یافته‌های تحقیق

در آیات و روایات و قواعد فقهی شواهد زیادی بر جواز تجسس در امور اطلاعاتی وجود دارد که در زیر از باب نمونه برخی از آن‌ها ذکر می‌گردد:

ردیف	شاهد مثال	نحوه استدلال	نکات
۱	<p>فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بَنِيَّ يَمِينٍ (۲۲) اذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَاَلْقَهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ (۲۸)</p> <p>هدهد گفت: به چیزی دست یافته‌ام که تو به آن دست نیافته‌ای، و از سرزمین سبأ برای تو خبری یقینی آورده‌ام.</p> <p>این نامه مرا ببر و به طرف آنها بیفکن، آن‌گاه از آن‌ها دور شو و بنگر چه پاسخ می‌دهند (آیات ۲۲ تا ۲۸ سوره نمل)</p>	<p>در این آیه حضرت سلیمان (ع) هدهد را برای تجسس پنهان اطلاعاتی روانه سرزمین سبأ می‌کند که این نشان‌دهنده جواز این تجسس می‌باشد.</p> <p>احتمال دارد گفته شود که هدهد انسان نیست و تجسس او حکم تکلیفی ندارد که در جواب گفته می‌شود استفاده‌کننده از مضمون آن تجسس به هر حال یک انسان و بلکه یک پیامبر الهی می‌باشد و هدهد نیز در حکم پهباد و دوربین و دستگاه ضبط صدای امروزی می‌تواند قلمداد شود.</p>	<p>جواز بلکه لزوم تعقیب، مراقبت و تجسس اطلاعاتی</p>

ردیف	شاهد مثال	نحوه استدلال	نکات
۲	<p>جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيُّهَا الْعَيْرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ (۷۰)</p> <p>فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذِلِكِ كَذَلْنَا لِيُوسُفَ ۗ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ</p> <p>جام را در بردان برادرش نهاد. آن گاه منادی بانگ در داد: ای کاروانیان! بی گمان شما دزد هستید!</p> <p>آن گاه [یوسف] پیش از بار برادرش، به جست و جوی بار آنان پرداخت سپس آن [جام] را از بار برادرش [بنیامین] بیرون آورد. [آری] این گونه یوسف را تدبیر آموختیم، زیرا در آیین شاه نمی توانست برادرش را بازداشت کند (آیات ۷۰ تا ۷۸ سوره یوسف)</p>	<p>در این قضیه برای تجسس اطلاعاتی متاع کلیه قافله از جمله بنیامین مورد تفتیش و تجسس قرار می گیرد و علاوه بر آن از شیوه ردگم کنی و عملیات فریب نیز استفاده می شود و اول از بقیه امتعه آغاز می شود. خداوند در این آیه از این شگرد اطلاعاتی به عنوان کید یاد می کند.</p>	<p>جواز تجسس اطلاعاتی</p>
۳	<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا</p> <p>ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واری کنید.</p> <p>(آیه ۶ سوره حجرات مشهور به آیه نبأ)</p>	<p>در این مورد نیز تبیین بدون تجسس و واکاوی و در بسیاری از موارد بدون راه یافتن به حریم های خصوصی ممکن نیست. در واقع چون مقدمه تبیین تجسس می باشد و چون تبیین واجب شده است پس باید تجسس را نیز از باب مقدمه واجب واجب دانست.</p>	<p>وجوب تجسس و تبیین در خصوص اخبار اطلاعاتی</p>
۴	<p>فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا</p> <p>أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ</p> <p>پس آن گاه که وعده ی اولین آن دو فرا رسید، بندگان از خود را که جنگاورانی نیرومندند</p>	<p>در این مورد خداوند یکی از نشانه های این جنگجویان را جست و جوی خانه به خانه دشمن معرفی می کند. خانه ای که جزء خصوصی ترین عرصه های حریم خصوصی افراد است ولی به دلیل</p>	<p>جواز تجسس اطلاعاتی نظامی</p>

۱. «فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ»: در این آیه به جای «فجاسوا» «تجوسوا» و «فجوسوا» نیز قرائت شده، چنان که ابن عباس و طلحه «فحاسوا» خوانده اند. آنگاه برای «جاسوا» معنای طلب و تفتیش آمده است (رازی، ۱۳۸۲: ۲۰ / ۱۵۶؛ طبری، ۱۳۳۴: ۹ / ۳۶).

ردیف	شاهد مثال	نحوه استدلال	نکات
	بر شما برانگیزیم تا [برای تعقیب شما] داخل خانه‌ها را جست و جو کنند (آیه پنج سوره اسراء)	مصلحتی مهم‌تر که همان حفظ نظام و بیضه اسلام است اجازه داده می‌شود تا حرمتش شکسته شود بلکه شاید اصلاً در مقابل آن اهم، این مسئله حرمتی نداشته باشد.	
۵	قاعده لاضرر و لاجرح	طبق قاعده لاضرر و لاجرح هرگونه ضرر و حرجی در دین اسلام نفی شده است و از این رو در صورت نبود فعالیت‌های اطلاعاتی هم دچار ضررهای فاحش در عرصه حکومت داری خواهیم شد و هم حرج‌های زیادی گریبان مردم و حکومت را خواهد گرفت. بنابراین با نفی ضرر و حرج فعالیت‌های اطلاعاتی که مستلزم تجسس است واجب می‌گردد و مقدمه واجب نیز واجب خواهد شد که عبارت است از همان وجوب تجسس که مقدمه فعالیت‌های اطلاعاتی است.	جواز و بلکه وجوب تجسس جهت رفع ضرر و حرج
۶	قاعده عقلی اهم و مهم در باب متزاحمین	این قاعده با مفاد خود ثابت می‌کند که اگر در تزاحم بین امر مهم و مهم‌تری مجبور شدیم بر حسب حکم عقل می‌باید مهم را فدای اهم نماییم. در مورد تجسس در فعالیت‌های اطلاعاتی اگر فرض کنیم که تجسس در این حوزه حرام باشد، ارتکاب این فعل حرام با وقوع در مهلکات دیگری تزاحم پیدا می‌کند که عبارت است از غفلت از برنامه‌ریزی‌های دشمنان داخلی و خارجی و غافلگیر شدن و فشل شدن در مقابل دشمن که خود از عظیم‌ترین	حکم به جواز تجسس در تزاحم بین حرمت تجسس و پرهیز از خطر معتنا به

ردیف	شاهد مثال	نحوه استدلال	نکات
		مهملکات است. فلذا باید حرام کوچکتر را مرتکب شد تا وقوع در حرامها و مهملکات دیگر رخ ندهد.	
۷	<p>یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (آیه ۶ سوره نبا)</p> <p>ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واریسی کنید تا مبدا به نادانی، گروهی را آسیب رسانید</p>	<p>ذیل آیه نبا تعلیلی که ذکر می‌شود و به نوعی دلیل وجوب تبیین قلمداد می‌شود عبارت است از افکندن جامعه به مصیبت و هلاکت.</p> <p>بر اساس این بخش از آیه می‌توان با استفاده از تنقیح مناط و حتی شاید قیاس منصوص العله استدلال کرد که هر جا که امکان وقوع جامعه در هلاکت و مصیبت و خسارت وجود دارد لازم است که خروج از آن رقم بخورد.</p> <p>از آنجا که عدم تجسس در امور اطلاعاتی منجر به اینگونه خسارت‌های سهمگین خواهد شد؛ بنابراین باید نتیجه گرفت که بر اساس تعلیل موجود در آیه لازم است از آن جلوگیری شود و حکم به جواز تجسس نمود.</p>	<p>حکم به جواز تجسس برای پرهیز از خسارت در جامعه</p>
۸	<p>قاعده الضرورات تبیح المحظورات (واقع شدن شخص تحت شرایط و موقعیت تهدیدآمیز به نحوی که که خروج از آن مقتضی ارتکاب فعلی باشد^۱)</p>	<p>طبق این قاعده هرگاه ضرورتی پیش آمد، انجام اعمال غیرمجاز نزد شارع مجاز و مباح می‌گردد.</p> <p>پرداختن به امور اطلاعاتی و تجسس در جهت آن یک ضرورت است که اگر فرض کنیم اینگونه تجسس‌ها حرام است، با وجود آن ضرورت مباح می‌گردد بدیهی است که عدم انجام اعمال متجسسانه اطلاعاتی اگر انجام نشود و ترک گردد نه</p>	<p>حکم به جواز تجسس به دلیل وجود ضرورت</p>

۱. عوده، ۲۰۰۹، ج ۱، ص ۵۷۷.

ردیف	شاهد مثال	نحوه استدلال	نکات
		تنها مسلمین بلکه کل جامعه اسلامی دچار اضطراب گشته و کیان اسلام دچار آسیب می‌گردد.	
۹	وَحُدُوا حُدْرَكُمْ هوشیاری و احتیاط خود را حفظ کنید (آیه ۱۰۲ نساء)	عموم این دلیل قرآنی حکم می‌کند که لازم است مواظب بود تا مبدا غافلگیرانه از دشمن شکست خورد. یکی از لوازم این حفظ هوشیاری و مراقبت از حیل‌های دشمن فعالیت‌های اطلاعاتی و تجسس که از لوازم این فعالیت‌هاست می‌باشد. از این رو باید فعالیت‌های اطلاعاتی متجسسانه داشت تا مبدا از ناحیه دشمن مورد حملات ناگهانی قرار گرفت	وجوب تجسس به دلیل حفظ هوشیاری در برابر دشمن
۱۰	حضرت علی (ع) به من فرمود: «به من نزدیک شو.» من نزدیک شدم و سپس مخفیانه و محرمانه به من فرمود: «به خانه ی او برو و درباره ی رفتار و کارهایش برای من خبر بیاور، چون که او کمتر انفاق افتاده است که هر روز به خدمت ما نرسیده باشد اما تا به حال نیامده است و خبری از او ندارم.» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۳ ص ۱۲۸)	امام (ع) شخصی را برای تجسس و نظارت بر فردی دیگر روانه می‌کند تا مراقب او باشد. این کار نشان می‌دهد برای تجسس‌های اطلاعاتی مجوز از سوی اهل بیت (ع) صادر گردیده است ششود، تعقیب و مراقبت که از مصادیق تجسس هستند جایز و بلکه در شرایطی واجب می‌باشند.	حکم به جواز تجسس اطلاعاتی
۱۱	مردی بر حضرت سجاد امام زین‌العابدین (ع) رسید و به حضرت (ع) عرض کرد: زن شیبانی شما از دین خارج شده و به علی (ع) ناسزا می‌گوید. اگر تمایل داری من شما را از رازی که شنیده‌ام آگاه کنم؟ حضرت فرمود: آری. او گفت: فردا به هنگامی که می‌خواهی از خانه‌ی خود بیرون آیی به	امام (ع) خود برای تجسس و شنود متهم گوش می‌ایستند و این دلیل اقوی از سایر ادله است زیرا در اینجا شخص امام (ع) به تجسس می‌پردازد تا خیانت یکی از منتسبین به دشمنان اهل بیت ع را آشکار سازند	حکم به جواز شنود و تجسس اطلاعاتی در امور شناسایی نیروهای منتسب به

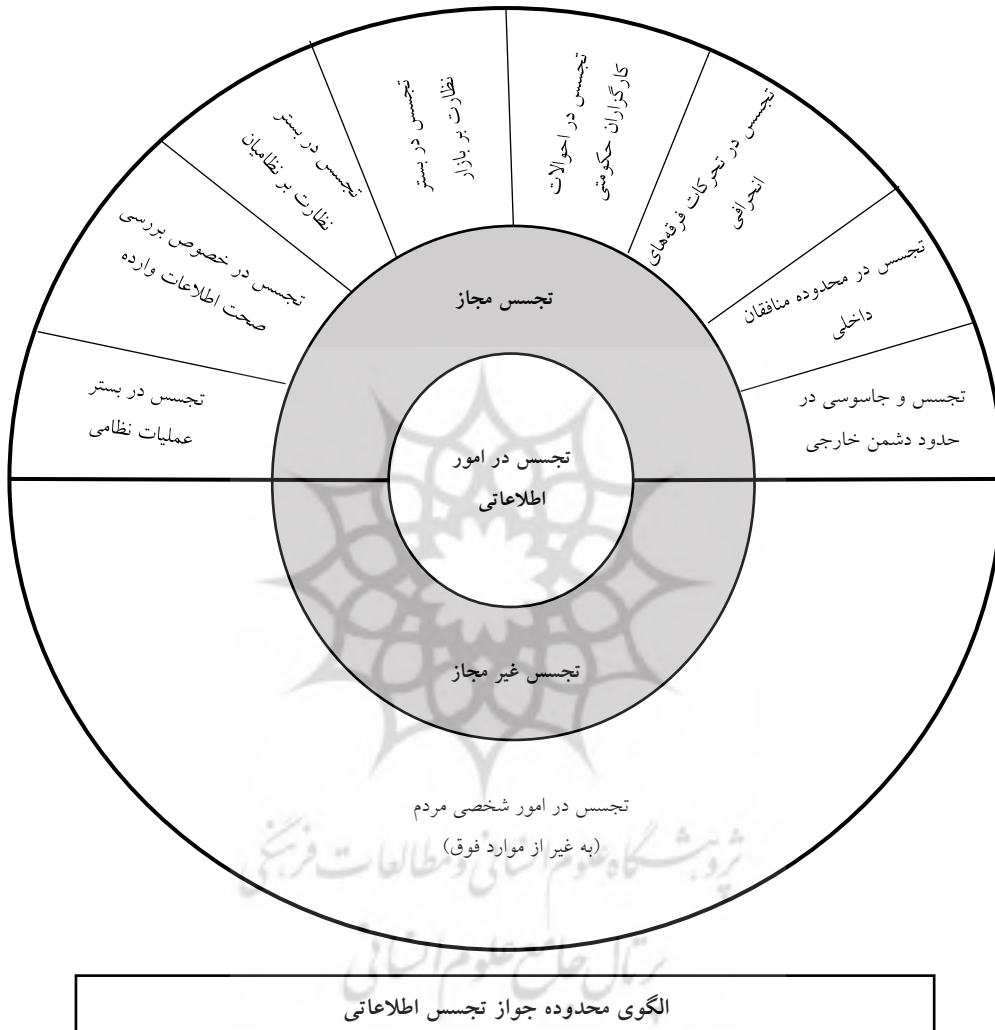
ردیف	شاهد مثال	نحوه استدلال	نکات
	مانند هر روز بیرون بیا و به حالت طبیعی از خانه خارج شو و لکن برگرد و خود را در گوشه‌ای از خانه مخفی کن. راوی می‌گوید: وقتی که فردا رسید، حضرت (ع) در گوشه‌ای از خانه پنهان شد و آن مرد به خانه‌ی حضرت آمد و با آن زن به گفتگو نشست و این ماجرا برای حضرت (ع) روشن شد و از این راز پرده برداشته شد و حضرت (ع) او را رها کرد و موجب شگفتی زن را فراهم کرد (کلینی، ۱۴۳۰: ج ۵ ص ۳۵۱، حدیث ۱۴)		جریانات انحرافی
۱۲	ابوداود از احمد بن حنبل نقل می‌کند: «رسول خدا (ص)، از مردی که اقدام به فروش غذا می‌کرد گذشت، سپس از او پرسید: معامله و خرید فروش تو چگونه است؟ او در پاسخ مطالبی را اظهار کرد، سپس به حضرت (ص) وحی شد که دستت را به درون آن ببر و حضرت (ص) نیز چنین کرد و دست مبارکش را به درون آن برد و ناگاه در آن چیزی را مشاهده کرد که به نظر می‌رسید این غذا با چیزی مثل آب ترکیب شده باشد. سپس رسول خدا (ص) به او فرمود: «کسی که در معاملاتش خیانت کند و دیگران را فریب دهد از ما نیست.» (سجستانی، بی‌تا: ج ۳ ص ۲۷۲)	شخص پیامبر ص و به دستور وحی به تجسس می‌پردازند تا آشکار سازند به لحاظ فروشنده‌گی تقلبی متوجه فروشنده نباشد. ز جهت شخص پیامبر ص و امر مستقیم شارع انور این استدلال بسیار قابل توجه می‌باشد.	جواز تجسس در امور اداری و نظارت بر بازار
۱۳	حضرت علی (ع) در خصوص ثبت مواضع نظامیان و به اطلاع رسانیدن آن‌ها فرمود: اما با این وجود از مراقبت کردن آنان غافل مشو و بازرسان امانت‌دار و راستگوی خود را مراقب و ناظر آن‌ها کن تا به هنگام جنگ و	حضرت (ع) به نیروی خود دستور می‌دهند که بر نیروی‌های نظامی نظارت صورت گیرد و تحت مراقبت باشند تا مبدا خیانتی از آنها سر بزند. بدیهی است که این نظارت و مراقبت	جواز تجسس و نظارت اطلاعاتی در خصوص عملکرد نیروها

ردیف	شاهد مثال	نحوه استدلال	نکات
	نبرد از آنان مراقبت به عمل آورند و کارها و خدمات آنان را ثبت کرده و به موقع گزارش کنند (ابن حیون، ۱۳۸۳: ج ۱ ص ۳۵۹).	مستلزم تجسس است	و فرماندهان نظامی
۱۴	در نامه حضرت علی (ع) به کعب بن مالک در خصوص نظارت بر رفتار کارمندان اداری آمده است: کسی را به عنوان جانشین خود تعیین کن و با تعدادی از یاران و نیروهایت از شهر خارج شو و به منطقه سواد برو و در شهرهای آن به جستجو و تحقیق مشغول شو و در مورد کارگردانان و مسئولین آن‌ها از مردم بپرس و از آن‌ها تحقیق و بررسی به عمل آور و در رفتار و شیوه‌هایی که به کار می‌برند نظارت کن (یعقوبی، ۱۳۷۱: ج ۲ ص ۲۰۴ و ۲۰۵)	حضرت (ع) به فرماندار خود امر می‌کنند که با تجسس در خصوص عملکرد منصوبان حکومتی خود بر آنان نظارت لازم را داشته باشند	جواز تجسس در خصوص نحوه عملکرد مسئولین حکومتی جهت نظارت بر عملکرد آنان
۱۵	قاعده نظم: بدان جهت که زندگی اجتماعی انسان‌ها، بدون نظم و هماهنگی میان اهداف و وسایل امکان‌ناپذیر است، بنابراین هر عمل و اندیشه‌ای که برای به وجود آمدن نظم و هماهنگی مزبور مورد نیاز باشد، عقل آنرا واجب می‌داند.	در فرض نبود تجسس‌های اطلاعاتی با وجود گروه‌های خرابکار، حتماً جدای از امنیت جامعه نظم جامعه نیز بهم خواهد خورد	وجوب حفظ نظم با تجسس اطلاعاتی
۱۶	قاعده دفع ضرر محتمل: در هر مورد که احتمال عقلایی ورود ضرر وجود داشته باشد، عقل به مراعات آن احتمال حکم می‌کند؛ البته اگر کسی این قاعده را از موارد قاعده لاضرر تلقی کند، در این صورت مشمول آن قاعده کلی می‌گردد.	در عدم اقدام متجسسانه اطلاعاتی نه تنها احتمالاً بلکه قطعاً ضررهای خطیری نهفته است که باید از آن احتراز کرد	وجوب تجسس اطلاعاتی برای دفع ضرر
۱۷	بنای عقلا، اصطلاحی در علم اصول فقه و فقه، به معنای روش و سلوک عملی خردمندان بر انجام دادن یا ترک کاری بدون	بدیهی است که بنای عقلای عالم بر پذیرش تجسس در امور مهم حکومتی و سیاسی و امنیتی به جهت دفع خطرات	جواز بلکه وجوب تجسس در

نکات	نحوه استدلال	شاهد مثال	ردیف
امور اطلاعاتی	از جامعه مورد نظر خود است و همین که تمامی کشورهای جهان به نهادهای اطلاعاتی معتقد و ملتزمند برای گواهی بر این بنا کفایت می‌کند.	دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی است (ویکی فقه، ذیل بنای عقلا)	
	حفظ نظام در نگاه امام خمینی رضوان الله تعالی علیه به عنوان ولی فقیه مبسوط الید که بعد از سال‌ها حکومتی دینی زیر نظر مستقیم فقها تشکیل داد، از واجبات بسیار مؤکد است: «همانا حفظ نظام از واجبات بسیار مؤکد است و ایجاد اختلال در امور مسلمانان از امور مورد غضب است» (برزنونی، ۱۳۹۶: ۱۴۱).	ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن	۱۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

با توجه به موارد فوق الگویی با مدل زیر قابل ارائه می‌باشد:



۵) جمع‌بندی و بیان پیشنهادها

هر جامعه‌ای از داخل و خارج با تهدیدهایی مواجه است که غفلت از آن‌ها سبب سلب امنیت شده و می‌تواند پایه‌های نظام سیاسی جامعه را متزلزل نماید. به همین جهت وجود سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی در کنار نظام‌های سیاسی از دیرزمان مورد توجه بوده است. و اسلام نیز از آن غافل نبوده حضرت علی^(ع) آن را یکی از ضرورت‌های حکومتی می‌داند و علاوه بر آنکه خودشان یکی سازمان گسترده اطلاعاتی داشتند که اخبار داخل و خارج را به امام می‌رساندند به مالک اشتر هم دستور می‌دهد در مصر شبکه عیون را از افراد صادق و وفادار به نظام تشکیل دهد (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

حضرت علی^(ع) در کلامی که به بیان ضرورت‌های اجتماعی می‌پردازد چهار نکته مهم را اشاره می‌فرماید که از جمله آن‌ها وجود سازمان اطلاعاتی است.

آن حضرت می‌فرماید: لا بدَّ من إماره (ابن حیون، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۴۷۰)؛ اداره جامعه نیاز به قانون و حاکمیت دارد.

نکته دوم لا بد للناس من عرافه و رزق للعریف؛ تشکیلات اطلاعاتی و نیروهای اطلاعاتی ضروری است.

اگر مردم خواهان آرامش و امنیت هستند باید سازوکار آن را فراهم نمایند و هزینه آن را بپردازند و یکی از ضرورت‌ها برای رسیدن به این مطلوب وجود عنصر اطلاعاتی است اما از آنجاکه هر کسی نمی‌تواند به‌شخصه این نیاز را برطرف کند باید حاکم اقدام به راه‌اندازی سازمان اطلاعاتی و امنیتی نموده هزینه آن را از بیت‌المال پرداخت نماید و از آنجاکه امنیت ابعادی گسترده مثل امنیت اجتماعی سیاسی و ملی دارد و یا تهدیدها به درون‌مرزی و برون‌مرزی تقسیم می‌شود همه کارهای اطلاعاتی از توان یک تشکیلات خارج است.

در کلام حضرت علی^(ع) اولویت دوم در جامعه وجود سازمان اطلاعاتی و امنیتی است که این مطلب دلالت بر ضرورت و اهمیت چنین سازمانی دارد.

یک حاکم برای اداره جامعه و حفظ و بقا نظام سیاسی نیاز به اطلاعات و اخبار دارد و سازمان اطلاعاتی چشم‌آمین و تیزبین حاکم و یکی از عوامل مهم قوام و بقا نظام سیاسی است.

از سیاق آیات کریمه قرآن و روایات می‌توان فهمید که تجسس حرام است ولی این یک قید عام نمی‌باشد بلکه تخصیصاتی دارد که از ذیل این عام خارج می‌شود. درست است که نفس انسان دارای حرمت در جمیع ابعاد از جمله حفظ حریم خصوصی او می‌باشد که به نوعی در محدوده عرض فرد می‌گنجد. آبرویی که به تعبیر امام صادق^(ع) از کعبه با ارزش تر است^۱، اما در اهم و مهم نمودن برخی از مصالح گاهی باید از همین با ارزش‌ها نیز برای حفظ با ارزش‌ها گذشت و مهم را فدای اهم نمود و این یک قاعده عقلی است که نیاز به استدلال نقلی ندارد اگرچه برای آن استدلال‌های نقلی زیادی نیز موجود است. البته شاید بتوان به گونه‌ای دیگر نیز بحث نمود و آن اینکه اصلاً تجسس در امور اطلاعاتی از سنج تجسس حرام نیست و به نحو تخصص موضوعاً از دایره آن خارج است و هر جا که موردی از سنج تجسس لازم اطلاعاتی بود دیگر حکم حرمت اصلاً بر آن بار نیست تا بگوییم در قاعده اهم و مهم این حرام کم اهمیت‌تر را نداده‌ایم گرفته‌ایم بخاطر جلوگیری از وقوع در یک حرام بزرگتر. در خصوص جواز تجسس اطلاعاتی به ادله و شواهدی در مورد ضرورت حفظ مصلحت نظام اسلامی و حفظ اوضاع و امنیت و سلامت و حیات مسلمانان استدلال شد و اینکه از مفسده تجسس مهم‌تر است، به گونه‌ای که اگر این امور و مصالح در معرض خطر باشد، باید از آن‌ها دفاع کرد تا خطر برطرف شود. از آنجا که ممکن است افراد خودسر به دلایل واهی به دنبال سرک کشیدن در زندگی شخصی مردم باشند لازم است ذکر شود که این فعالیت‌های متجسسانه صرفاً توسط نهادهای اطلاعاتی و آن هم با نظر مجتهد و یا مأذون از وی میسر است و سایر افراد و حتی نهادها نمی‌توانند به هر بهانه‌ای ولو به ظاهر معقول و منطقی از این مسئله تخطی کنند.

۱. المؤمن اعظم حرمه من الكعبة؛ احترام مومن، از احترام کعبه، بالاتر است (بحارالانوار، ج ۶۸ ص ۱۶).

فهرست منابع

قرآن کریم

- صالح، صبحی، شریف الرضی، محمد بن حسین، و علی بن ابی طالب (ع)، امام اول. ۱۴۱۴. نهج البلاغة (صبحی صالح). ۱ ج. قم - ایران: مؤسسة دار الهجرة.
- حویزی، عبدعلی، (۱۴۱۵ق) تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، (۱۴۲۰ ق)، كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۳۰ ق)، الکافی، قم: دار الحدیث
- موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۹ ش)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ابن حیون، نعمان بن محمد، (۱۳۸۳ ق)، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، قاهره: دار المعارف
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۰ ش)، تفسیر نمونه: تهران: دار الکتب الإسلامیة
- شرتونی، سعید، (۱۳۷۷)، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد: ۳ ج، قم - ایران: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۴ ق)، صحاح اللغة: ج ۳، بیروت: دار العلم للملایین
- ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة: ج ۱، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- غزالی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ ق)، المصباح المنیر: ج ۱، قم - ایران: مؤسسه دار الهجرة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۸۹)، لسان العرب ج ۲، بیروت: لبنان: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع
- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۳ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه النشر الإسلامی
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ ق)، تفسیر القمی، قم: دار الكتاب
- علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴ ق)، تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث

■ بررسی حکم جواز تجسس در اقدامات اطلاعاتی از منظر فقه امامیه

- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۶۷ ش)، میزان الحکمه، قم: مکتب الإعلام الإسلامی
- احمدی میانجی، علی، (۱۴۱۹ ق)، مکاتیب الرسول (ص)، قم: دار الحدیث
- برزنونی، محمدعلی، (۱۳۹۶)، تجسس در امور امنیتی و اطلاعاتی؛ رویکردی فقهی، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)
- منتظری، حسینعلی، (۱۳۸۴ ش)، رساله استفتائات، تهران: نشر سایه
- نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵). فرهنگ دفاعی-امنیتی. تهران: انتشارات سنا.
- عابدی، احمد (۱۳۸۹). حقوق متهم. قم: انتشارت زایر با همکاری کارگروه فقه اطلاعاتی. چاپ اول.
- ابوالفتوح رازی، جمال‌الدین حسین بن علی (۱۳۸۲). روض الجنان و روح الجنان (تفسیر رازی). قم: دار الحدیث.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۲۴). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر کبیر). قم: حوزه علمیه قم.
- ابن ابی الحدید المعتزلی، عزالدین عبدالحمید بن محمد. (۱۹۵۹م/۱۳۷۸ق). شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. دار احیاء الکتب العربیه.
- عوده، عبدالقادر. (۲۰۰۹). التشریح الجنائی الإسلامی مقارنا بالقانون الوضعی. ۱ ج. قاهره - مصر: المكتبة التوفیقیة.
- ابن اشعث سجستانی، ابوداود اسماعیل (بی تا). سنن ابی داود. بی جا: دار الفکر.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۳۱۵ ق)، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی